



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۲/۰۹/۳۰

یونس نگاه

## مکتب در افغانستان حجاب در ایران

نارضایتی اصلی مخالفان طالب این روزها بر گرد سیاست تعلیمی طالبان می‌چرخد. بیشتر صحبت‌ها بر سر این است که طالبان نباید مکاتب را ببندند که در ظاهر سخن نیک است، اما فریب بزرگ در خود نهفته دارد: انرژی و هوش مردم را به سمت یک مشکل فرعی متمرکز می‌کند. مشکل افغانستان با طالبان آیا مکتب و تعلیم است؟ اگر طالبان مکاتب را بکشایند و تعلیم را در چوکات امارت برای همه بدون تبعیض روا اعلام کنند، مساله حل می‌شود؟

بلی درست فکر می‌کنید. این یک چال ضربه‌گیر است. طالبان در واقع دورتر از قلاع اصلی امارت‌اش خندقی کنده و مخالفان را مشغول آن کرده است. خود در درون آن مشغول ظلم‌های بی‌شمار است و با وقتی که ازین راه می‌خرد، دیوارهای قلعه را بلند می‌برد. مساله اصلی این است که قلعه جای طالب نیست و هرچه در درون قلعه می‌گذرد، ضد مردمی و در مسیر برپادی می‌باشد. به این خندق حاشیه‌های چسبیده کل وطن و برده‌گی میلیون‌ها هموطن یاد ما نرود. طالب اصلاً صلاحیت نزدیک‌شدن به مکتب را ندارد.

از ایران زیاد نمی‌دانم. اما متمرکز کردن مبارزه بر آزادی حجاب زن، چیزی شبیه آن مورد مکتب در افغانستان است. حجاب زنان برای دولت ایران، یک ضربه‌گیر شده است. جمهوری اسلامی ایران، برای آن‌که درگیری‌ها به میدان بانک، نفت، عواید دولتی و رهبری سیاسی نرسد، در دورترها تعدادی جبهه جعلی ساخته است. پولیس اخلاق و درگیر ساختن جامعه به مسایل فرعی، چال موثری برای بقای آن دولت است.

تمرکز بر حجاب و آزادی زن در واقع مبارزه را قشری و محدود می‌کند. چرا که حجاب اول برای همه زنان ایران مساله نیست. گروهی از زنان مرفه برای خود کشوری دارند و می‌توانند در مناطق مرفه‌نشین از آزادی‌های مدنی لذت ببرند. آنان توانایی سفر و گردش هم دارند. یک قشر زنان سنتی اند و به حجاب باور دارند یا حداقل حجاب را مانعی نمی‌دانند. گروه بزرگی از زنان فرصت فکر کردن به حجاب را ندارند. نان شب بچه و داشتن چند متر سرپناه چنان درگیرشان کرده است که جنگیدن برای حجاب شاید کار مسخره به‌نظرشان برسد.

مردان، حتی همان‌هایی که آگاهی بسیار از ضرورت آزادی زن دارند، و همبستگی زنان و مردان را در مبارزه شرط پیروزی می‌دانند، نمی‌توانند برای مدت طولانی بر محور حجاب زنان مبارزه کنند. باقی مردان، اصلاً درکی از نقش حجاب و ضرورت رفع یا حفظ آن ندارند. ممکن برای بیرون کردن خشم‌هایی که از جاهای دیگر ذخیره کرده‌اند، چند روزی برای دفاع از حق آزادی زنان به جاده بروند اما دیر نخواهند پایید.

باید پرسید که چرا مرگ مردم از گرسنگی در ایران باعث انقلاب نمی‌شود؟ آیا مردم در زیر شلاق پولیس اخلاق زیاد اذیت شده و جان می‌دهند یا زیر بار فقر، بیکاری، بی‌درویی و پناهی؟

آنچه پس از مرگ دردناک مهسا خانم در ایران به‌جریان افتاده درگیری بخشی از طبقه متوسط ایران با دولت آن کشور است. آیا این طبقه آن‌قدر نیرومند هست که چالش جدی خلق کند؟ تصور من این است که بدون حمایت توده گرسنه و آنانی که دغدغه نان و آب دارند، در ایران مبارزه به ثمر نخواهد نشست.

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی